

جغرافیا (نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)

دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱۴ و ۱۵ پاییز و زمستان ۱۳۸۶

فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری

دکتر محمدتقی رهنمایی^۱

یوسف اشرفی^۲

چکیده

فضای عمومی فضایی است که عموم شهروندان از هر قشر، سن، نژاد و صنفی حق ورود و حضور در آن را بدون هیچ گونه محدودیتی دارا می‌باشند. متخصصین برنامه‌ریزی شهری تاکنون آنطور که باید به ارزش و اهمیت این فضاها در شکل‌دهی به جامعه شهری پرداخته‌اند. البته تحقیقاتی انجام شده که بیشتر حول تعاریف و ویژگیهای فضاهای عمومی آن هم از دیدگاه طراحی شهری بوده است. بنابراین کمتر به اهمیت فضاهای عمومی در شکل‌گیری جامعه مدنی پرداخته شده، در مقابل بیشتر این جامعه‌شناسان و اقتصاددانان بوده‌اند که به این مهم توجه داشته‌اند. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش فضاهای عمومی در شکل‌گیری جامعه مدنی از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری است. وقتی از فضای عمومی در شهرها و ارتباط آن با جامعه مدنی صحبت می‌کنیم، دو نوع مفهوم از فضا در ذهن آدمی شکل می‌گیرد. نخست فضای عمومی در معنای فیزیکی آن است که شامل پارکها، خیابانها، میادین، بازارها و دیگر مکانهای عمومی می‌شود. دوم در واقع فضایی ذهنی است که به میزان آزادیهای سیاسی و فضای موجود برای شکل‌گیری تشکلهای مدنی و مستقل از دولت برمی‌گردد. علیرغم ارتباط متقابلی که این دو در شکل‌گیری جامعه مدنی دارند، در مقاله حاضر، منظور از فضای عمومی، فضا در معنای نخست آن می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله بصورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد؛ بدینصورت که ابتدا به بررسی ادبیات مربوط به فضای عمومی و اهمیت آن در شهر و نیز ویژگیهای جامعه مدنی پرداخته، سپس ارتباط میان این دو از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق، فضاهای عمومی در شهر ارتباط نزدیک و قوی با شکل‌گیری مفهوم شهروندی دارد. به همین ترتیب فضاهای عمومی بستر اصلی شکل‌گیری جامعه مدنی در شهرها می‌باشند.

واژگان کلیدی: فضای شهری، فضای عمومی، جامعه مدنی، شهر، شهروند

۱- دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

طرح مسأله و مبانی نظری موضوع

در سالهای اخیر مفاهیمی مانند جامعه مدنی، مشارکت مردم، مردم‌سالاری، حقوق شهری و بسیاری از اصطلاحات رایج در ادبیات شهر و شهرنشینی، وارد موضوعات مرتبط با جوامع شهری شده‌اند. بستری که امروزه از آن به عنوان جامعه شهری یاد می‌کنیم، و تعداد این جوامع شهری، با شخصیت حقوقی تعریف شده، روز به روز افزایش می‌یابد، از نظر ظاهر ممکن است که شباهتی به شهر داشته باشد، لیکن فقدان عناصر روحی و روانی لازم در آن تحقق بعضی اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه در مدیریت شهری را با مشکل روبرو می‌سازد.

از جمله مسائلی که در جوامع شهری امروز ایران شایسته توجه فراوان است، ریشه‌یابی علل بیگانگی و عدم احساس تعلق شهروندان به سرنوشت جامعه شهری خویش است. رواج فرهنگ فردگرایی^۱ در جوامع شهری ایران و اینکه هر کس کوشش می‌کند که با حل مسائل شخصی خویش، احساس شهروندی خود را ارضاع نماید و بدین ترتیب حقوق شهروندی خود را تحقق یافته تلقی نماید، آنچنان اوج گرفته که اندیشه باهم بودن و باهم زندگی کردن در مفهوم شهروندی آن، بسیار کمرنگ شده است. تا جائیکه ایجاد ساختارهای اجتماعی جدید که توسط دولت به اجرا در می‌آید، نمی‌تواند آن را احیاء کرده و مجدداً بر روح زندگی شهری جاری و حاکم سازد.

نظریه دولت و شهرنشینی که بنیان فکری آن این موضوع را ردیابی و ریشه‌یابی می‌کند، با تأکید بر نقش دولت در فضای شهری و عرصه‌های زیستی و معیشتی آن، پیوسته شواهد و مستندات جدیدی در تبیین این موضوع به دست می‌آورد (رهنمایی، ۱۳۷۳؛ رهنمایی و امیریان، ۱۳۸۲). دولتی شدن فزاینده عرصه‌ها و فضاهای شهری و نتایج مترتب بر آن را باید در روند تاریخی رابطه سه سویه مردم، دولت و شهر بررسی کرد. شهر امروز پایگاه حاکمیتی، کارگزاری و کارفرمایی دولت است. فضاهای عمومی شهری، آن بخش از فضای شهری هستند که ظاهراً نباید در تولیت و مدیریت حاکمیتی دولت و نهادهای دولتی باشند. فضای عمومی شهر جایی است که در آن رابطه تعاملی مردم با یکدیگر برقرار می‌شود. در فضاهای عمومی شهرهاست که مفهوم شهروندی شکل گرفته و معنا پیدا می‌کند. به تعبیری می‌توان گفت که حرکت در سطح شهر، تا حدودی ناشی از وجود فضاهای عمومی در شهرهاست. این حرکت

1-Individualism

خود نوعی از پویایی یا دینامیسم (Dynamism) عنصر شهروندی است. در این شرایط ذهن و فکر شهروند در تأثیر پذیری آزاد است و می‌تواند متناسب با مصالح و منافع خود فکر کرده و عمل نماید. بر عکس این حالت، یعنی بی‌روح کردن فضاهای عمومی، شهر و شهروندان کسل را به گذران اوقات فراغت در درون خانه‌ها کشانده و در این جاست که بمباران ذهن شهروندان توسط رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون و رادیو انجام می‌گیرد.

در این فرآیند است که گویا هر یک از ما ایرانیان به «جامعه‌ای مستقل» تبدیل گردیده‌ایم. جامعه‌ای که ریاست مطلقه آن بر عهده شخص ما، و شهروندان، محدود به چند عضو خانواده هستند. و یا محفلی کوچکی ساخته‌ایم و به دور این «جامعه مستقل» و یا این «محل کوچک» حصارهای حصین از رفتار و اعتقاد کشیده‌ایم و زندگی در اجتماع را برای خود نه یک اصل که یک ضرورت نامطلوب تشخیص داده‌ایم. به این اعتبار نه یک جامعه ایرانی که صدها هزار و میلیونها «جامعه مستقل ایرانی» در سرزمین ما زندگی می‌کنند (عظیمی، ۱۳۷۸: پیشگفتار: ۸)

مقاله حاضر بعد جدیدی از نقش دولت در جامعه شهری را مورد توجه قرار داده است. چرا که دولت نه تنها در عرصه‌های اقتصادی، کالبدی و مدیریتی شهرها نقش برجسته داشته و عامل تعیین کننده به شمار می‌رود، بلکه در هدایت رفتار شهروندان در فضاهای شهری نیز با ظرافت تمام عمل می‌کند که آنان را از درک واقعیت‌های جامعه مدنی، در حد امکان به دور نگه دارد. چنین شهروندی، بدون تردید، شهروند مطلوب به شمار رفته و می‌توان وی را با مسائل روزمرگی سرگرم و دلگرم نگه داشت. دغدغه چنین شهروندی جامعه مدنی نخواهد بود، بلکه بیشتر به عنصری تبدیل خواهد شد که تحت اداره دیگران باشد.

فضاهای شهری و انواع آن

از دید بسیاری از دانشمندان، فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساخت‌مند شدن زندگی اجتماعی است و این بدان معناست که نمی‌توان آن را جدا از جامعه و روابط اجتماعی فهمید (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۸). فضای شهری فضایی مادی ست، با ابعاد اجتماعی و روانشناختی‌اش و شکل شهر، هندسه این فضا است (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۱۳۰). فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود و در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی

مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخوردهای از پیش تدوین نیافته اتفاق افتاده و افراد در یک محیط اجتماعی جدید باهم ارتباط برقرار کنند (Lynch, 1972:109). نقش اصلی فضای شهری در فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسانها با یکدیگر تعریف می شود. فضای شهری با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (فضای ساخته شده از جنبه کالبدی) و به اجتماع (از طریق تسهیل کنشهای متقابل انسانها با یکدیگر) حیات مدنی را به کالبد شهر تزریق خواهد نمود (حبیبی، ۱۳۷۸: ۳۱). فضاهای شهری شامل طیف وسیعی از انواع فضاهای عمومی تا خصوصی می باشند. به عبارت دیگر هر فعالیت و رفتار حریم و قلمرو خاص خود را داراست و متقابلاً هر فضا نیز دارای حرمت و حریم خود می باشد. فضاهای موجود در شهر را به لحاظ نحوه استفاده از آنها به سه دسته کلی می توان تقسیم بندی نمود (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۷):

۱- **فضاهای خصوصی:** آن بخش از فضاهای شهر که به صورت خصوصی توسط اشخاص تحت تصرف یا تملک قرار گرفته و مورد استفاده قرار می گیرد. فضاهایی چون خانه های مسکونی، حیاطها و باغهای خصوصی از آن جمله اند.

۲- **فضاهای نیمه خصوصی یا نیمه عمومی:** آن دسته از فضاهای موجود در شهر که به علت محدودیت در هدف و کاربری آن، توسط گروهی خاص از افراد مورد استفاده قرار می گیرد. فضاهایی چون مجتمع های مسکونی و محوطه های آنان، ورزشگاهها و نمایشگاهها.

۳- **فضاهای عمومی:** آن دسته از فضاها می باشند که عموم شهروندان بدون نیاز به کنترل و ... حق ورود و حضور در آنان را دارند. فضاهایی چون خیابانها، پارکها، میداين، بازارها و مساجد^۱. این دسته از فضاها به واسطه مقیاس عملکردی و همچنین طیف متنوع و گسترده مخاطبین خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان می باشند. از اینرو ارتقاء کیفی این دسته از فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد.

۱- البته ابهامهایی در زمینه عمومی بودن مساجد وجود دارد. برای مثال اگر چه در شهرهای کشور ما مساجد به خصوص مسجد جامع با حیاتیهای بزرگ، مرکز اکثر شهرها را شکل داده و جمعیت زیادی را نیز در خود جمع می کنند. ولی این مساجد فقط برای جمعیت مسلمان قابل دسترسی است و افرادی از مذاهب دیگر به دلیل جنبه های معنوی خاص آن حق ورود به آن را ندارند.

البته متخصصین مختلف تقسیم‌بندیهای مختلفی از فضاهای شهری دارند. برای نمونه مرحوم حسین عظیمی می‌گوید: «می‌توان در زندگی هر انسانی در هر جامعه‌ای، سه فضا یا محیط مختلف را از هم بازشناسی کرد: فضای خصوصی، فضای دولتی و یک فضای عمومی غیر دولتی» (عظیمی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). آقای دکتر پرویز پیران نیز جریان عرصه‌های زندگی را به سه عرصه‌ی خصوصی، عمومی و حکومتی تقسیم می‌کند (پیران، ۱۳۸۶: ۴). آنچه مهم است و این مقاله نیز بر آن تأکید دارد این است که فضاهای خصوصی و دولتی همیشه وجود داشته و این فضاهای عمومی است که روز به روز در تنگنا قرار گرفته و از ارزش و اهمیت آن کاسته می‌شود. نتیجه آن روی آوردن به همان عرصه خصوصی و به اصطلاح «چهار دیواری اختیاری» است که دکتر پرویز پیران از آن به عنوان تقلیل سه عرصه عمومی، خصوصی و حکومتی به عرصه امن و خصم نام می‌برد (همان). این در شرایطی است که شکل‌گیری شهروند به معنای واقعی، جامعه مدنی، هویت شهری، شهرهای با نشاط و مطلوب و مردمی کوشا و سرزنده همگی بستگی تام به کیفیت فضاهای عمومی شهری دارد. تا چنین فضایی شکل نگرفته باشد جامعه مدنی شکل نمی‌گیرد و تا وقتی جامعه مدنی شکل نگیرد توسعه‌ای در کار نخواهد بود. بنابراین برای پیشرفت و پیشبرد توسعه ضرورتاً باید نهادهای مدنی در کشور شکل بگیرد و برای شکل‌گیری نهادها و جامعه مدنی باید از آن به اصطلاح چهار دیواری بیرون بیاییم. بیرون آمدن از آن چهار دیواری نیز منوط به داشتن عرصه‌های عمومی با کیفیت در شهر است.

جامعه مدنی^۱

جامعه مدنی در زبان فارسی که ترجمه «Civil Society» در انگلیسی است، اصطلاحی است که برای اولین بار توسط فیلسوف انگلیسی «جان لاک» به کار رفت. جامعه مدنی متعلق به دوران جدید است، هر چند که خیلی‌ها معتقدند هسته‌های جامعه مدنی قبل از دوران جدید وجود داشته، ولی دوران جدید به خاطر زمینه‌هایی که از نظر اجتماعی واجد آن بود، زمینه‌های اصلی پیدایش جامعه مدنی را در اروپا و دنیای جدید فراهم آورد. به عبارت دیگر جامعه مدنی در چارچوب بحث تجدد قرار دارد. جامعه مدنی حوزه‌ای است عمومی میان دولت

و شهروند(واحد خانواده) که برای اعمال و کردار این دو قطب (دولت و شهروند) در قبال هم، قاعده تعیین می‌کند. جامعه مدنی قلمرو گفتمانها و روندها، فعالیتها و جنبشها و نهادهای اجتماعی سازمان یافته (با مفهوم جامع)، خودمختار و داوطلبانه‌ای است که در راستای هدفی مشترک، نظم حقوقی یا مجموعه‌ای از قراردادها و ارزشهای هماهنگ شکل می‌گیرد(امیراحمدی، ۱۳۷۵: ۱۰). جامعه مدنی بخشی از جامعه است که زندگی مربوط به خودش را دارد و بصورت متمایزی متفاوت از دولت و عمدتاً مستقل از آن است. جامعه مدنی ورای مرزهای خانوادگی، قومی، قبیله‌ای و آداب و رسوم محلی قرار دارد و آن جدای از دولت می‌باشد(افضلی، ۱۳۷۹: ۲۵). جامعه مدنی مجموعه‌ای از انجمنها و تشکلهای داوطلبانه مستقل از دولت است که حائل میان شهروندان و دولت بوده و حداکثر مشارکت سازمان یافته و اختیاری در عرصه عمومی را زمینه‌سازی می‌نماید(علوی‌تبار، ۱۳۸۰: ۱۵۵). به عبارت دیگر جامعه مدنی حوزه‌ای است که قدرت سیاسی یا دولت حق دخالت مستقیم یا دلخواهانه در آن ندارد(غنی‌نژاد، ۱۳۷۷: ۱۴۴). البته باید توجه داشت که این آزادی به معنای آزادی از قید و بندها یا آزادی به مفهومی که در وضع طبیعی تعریف می‌شود نیست، آزادی در جامعه مدنی در چارچوب سلسله قواعد و قوانین کلی و عام ناشی از خود محدودیتها و قید و بندهاست. بعضی از محققان نیز جامعه مدنی را به عنوان بخش سومی خارج از بخشهای دولتی و بازار تعریف می‌کنند(Cohen & Arato, 1992).

روند روزافزون و روبه رشد تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سطوح ملی و فراملی، امروزه نقش محوری و مهم جامعه مدنی و تشکلهای مردمی را در جوامع شهری پر رنگ ساخته است. بنابراین باید به تبیین ساختارهای مناسب برای نهادینه کردن تشکلهای غیر دولتی پرداخت و برای کارآمد سازی نهادهای مدنی، آنها را وارد حوزه فعالیت و دغدغه‌های مسائل شهری کرد. نهادینه کردن مشارکتهای مردمی نیازمند آگاهی تمام اقشار جامعه است و این بر عهده سازمانهای غیردولتی و در پی ایجاد جامعه مدنی است. بنابراین یکی از نتایج اصلی تکوین و توسعه جامعه مدنی، گسترش و تقویت مشارکت فعالانه و داوطلبانه اکثریت در امور مختلف اجتماعی است.

اساس بحث دنیای جدید این است که حیطة حکومت را از پشت دیوار خانه به درون حکومت محدود کند، و آن فضای خالی میان حکومت‌خانه و دیوار خانه با این تشکلهای و فضای مدنی پر

شود. یعنی حکومتی می‌تواند توسعه‌ای باشد که به جد دنبال آماده کردن فضا برای تشکلهای مدنی باشد (عظیمی، ۱۳۸۴: ۲۳۵) و این در ارتباط نزدیک با اصل پیشنهادی «گبلر» و «آبسورنه» برای مدیریت عمومی می‌باشد که معتقد است، حکومت زمانی بیشتر موفق خواهد بود که از حالت یک «پاروزن^۱» به یک «سکاندار^۲» تغییر موضع دهد (Gaebler & Osborne, 1992). به عقیده «روی» نیز مفهوم عمل به جامعه مدنی به عنوان یک پیش‌شرط برای حکمرانی خوب و معیاری برای سنجش آن است (Roy, 2007: 677). بطور خلاصه جامعه مدنی، جامعه‌ای است که دارای ویژگیهای: ۱- آزادی در چارچوب قانونی، ۲- تنوع و تکثر در ساخت اجتماعی، ۳- قانونمندی، ۴- اصالت فرد، ۵- گفت‌وگو و ۶- مشارکت، باشد.

فضاهای عمومی و اهمیت آن در برنامه‌ریزی شهری

فضای عمومی یک قسمت حیاتی از زندگی روزانه ما در شهر را تشکیل میدهد، خیابانهایی که برای رسیدن به محل کار یا مدرسه یا دانشگاه و غیره از آنها عبور می‌کنیم، مکانهایی که بچه‌ها بازی می‌کنند، جایی که از طبیعت و حیات وحشی آن بهره می‌گیریم و پارکهای محلی که در آنها ورزش می‌کنیم. به عبارتی دیگر هر جایی که ما را برای لحظه‌ای از شلوغی زندگی روزانه کاری برهاند فضای عمومی است. «لیپتون» فضای عمومی را با عنوان «اتاق زندگی بیرونی^۳» و «مرکز تفریح و فراغت بیرون از خانه^۴» تعریف می‌کند (Lipton, 2003: 1). فضاهای عمومی فضاهایی هستند که ما با غریبه‌ها شریک می‌شویم، مردمی که اقوام یا دوستان و همکاران ما نیستند. آنها فضایی برای فعالیتهای سیاسی، اعمال مذهبی، تجارت، بازی و غیره هستند. فضایی برای همزیستی با صلح و برخوردهای غیر شخصی. شخصیت فضای عمومی، زندگی عمومی ما، فرهنگ شهر و زندگی روزمره ما را نشان داده و تنظیم می‌کند (Walzer, 1986: 470). فضای عمومی را بستر مشترکی که مردم فعالیتهای کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند، میدانند چه این فعالیتها روزمره و معمولی و چه جشنواره‌ای و دوره‌ای باشند. به عبارت دیگر فضای عمومی صحنه‌ای

1- Oarsman

2- steersman

3- Open-air living room

4 - Outdoor leisure centre

است که به روی آن نمایش زندگی اجتماعی در معرض دید عموم قرار می‌گیرد (رفیعیان و همکار، ۱۳۸۴: ۳۵). هر چند که نقش فضاهای عمومی در یکپارچگی و یکدستی شهر کاملاً مشهود است اما کیفیت بالا و مثبت زندگی شهری در خیابان‌ها و فضاهای باز، شرطی لازم برای جامعه است، بطوری که مردم را قادر می‌سازد تا از تعاملات اجتماعی لذت ببرند.

از دست دادن فضای عمومی در شهرها منجر به پیامدهای مهم اجتماعی خواهد شد که «آتکینسون» و «بلندی» از آن با عنوان حرکت رو به پایین و تنزل روابط اجتماعی شهری نام می‌برند (Atkinson & Blandy, 2005: 179). این ممکن است تأثیرات مهمی بر روی شهروندان داشته باشد تا جایی که وجود فضای عمومی را می‌توان مرتبط با عملکرد حدود فعالیت عمومی دانست (Smith & Low, 2006). فضاهای عمومی در شهر زمینه مشارکت مردم را فراهم آورده و آنها را باهم مرتبط می‌سازند. مامفورد به همبستگی اجتماعی و ارتباطات متقابل چهره به چهره، تحرک فکر و اندیشه و اهمیت زیباشناختی فضاهای شهری تأکید دارد و ارتباطات یکجانبه و خودمحوریهای سودجویانه را نفی می‌کند. بر این اساس با توجه بیش از حد به فضاهای خصوصی مخالف است، زیرا در آن صورت ارزشهای اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و نهایتاً انسان شهرنشین هر چه بیشتر از گذشته منزوی شده و زندگی جمعی در فضاهای شهری کمرنگ می‌شود (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۸). بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. روی همین اصل «هیبرت» تنها راه حل ممکن برای ایجاد ارتباطات عمومی را، نه روزنامه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، بلکه در حوزه فعالیت فضاهای همگانی می‌داند (Hiebert, 2005: 3).

قطع نظر از برخی ابهامات در تعریف غالبی از فضای عمومی در شهرهای اسلامی، فضای عمومی را می‌توان منطقه خارج از مرزهای تحت کنترل گروههای کوچک و فردی و حد فاصل میان فضاهای خصوصی، و فضایی دانست که برای دامنه‌ای از عملکردهای اغلب اشتراکی و اهداف نمادین استفاده می‌شود (Madanipour, 2003: 112). بنا به تعریف «اردلان»، در فرهنگهای قدیمی ایرانی، فضای عمومی شامل باغهای عمومی، معابر یا گذرگاهها، خیابانها، خیابانهای سقف‌دار مانند بازار و سوقها و مکانهای تجاری به علاوه نهادهای اجتماعی به مفهوم شهری‌شان، می‌شود (Ardalan, 1980: 5). البته در این تعریف از وجود میدان در شهرهای

اسلامی غفلت شده است. عنصری که به عنوان گره و کانون فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی-اجتماعی شهروندان شناخته می‌شده است (Alizadeh, 2007: 410-411). «کوستف» نیز معتقد است که فضاهای عمومی در شهرهای اسلامی به خوبی تعریف شده هستند. برای او فضاهای عمومی اصلی و غالب شامل خیابانها (خیابان و بازار)، میداين، مساجد و گورستانها می‌شود (Kostof, 1992: 127).

از تعاریف فضای عمومی چنین برداشت می‌شود که، فضای عمومی بر دسترسی بدون محدودیت به فضا یا فعالیت‌های متنوع تأکید دارد که در نتیجه این دسترسی محدود نشده تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین فضای عمومی را می‌توان فضایی تعریف کرد که ۱: مردم بدون محدودیت به آن دسترسی دارند، ۲: فعالیت‌هایی در آن صورت می‌پذیرد، ۳: یک سازمان عمومی آن را کنترل می‌کند و ۴: فضایی است که در جهت منافع عموم تأمین و اداره می‌شود. فضاهای عمومی دارای مزیت‌های زیادی هستند که در اینجا به مهمترین این مزیتها در شهر از دیدگاه برنامه‌ریزی شهری اشاره می‌کنیم:

• ارزش اقتصادی فضاهای عمومی (Luttik, 2000)

محیط عمومی با کیفیت بالا می‌تواند نقش معنی‌داری در زندگی اقتصادی مراکز شهری بزرگ و کوچک داشته باشد. شهرها بطور فزاینده‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری رقابت می‌کنند، پارک‌های خوب، میداينها، باغها و دیگر فضاهای عمومی تبدیل به مکان‌هایی برای تجارت و ابزاری برای بازاریابی در شهرها می‌شوند. کمپانیها معمولاً جذب مکان‌هایی می‌شوند که دارای فضاهای عمومی با طراحی و مدیریت خوب باشند، برای اینکه این مکانها باعث جذب مشتری، کارمندان و خدمات می‌شوند. در مراکز شهری فضاهای عمومی خوب و مناسب شمار مردمی که از مناطق خرده‌فروشی دیدن می‌کنند را افزایش می‌دهد. علاوه بر اینها فضاهای عمومی دارای نقش خیلی روشنی در اقتصاد محلی از طریق افزایش قیمت مسکن دارند، از آنجایی که خریداران مسکن تمایل به خرید مسکنی دارند که نزدیک فضاهای عمومی باشد.

• تأثیر فضای عمومی بر سلامت فیزیکی و روانی (Wooley, 2003 و Takano

(& Others, 2002)

چاقی و افسردگی دو تا از مشکلات رایج در بین کودکان و نوجوانان هستند. چاقی ارتباط نزدیکی با عدم تحرک و کاهش فعالیت‌های بیرون از خانه دارد. چاقی در کودکی، در بزرگسالی

همراه با بیماریهای دیگری مانند دیابت و بیماریهای قلبی است. البته این تنها سلامت فیزیکی نیست که در خطر قرار گرفته، بلکه سلامت روحی و روانی شهروندان نیز در خطر مشکلات جدی قرار دارد. دسترسی به فضاهای عمومی با کیفیت خوب و فضاهایی که خوب از آنها مراقبت می‌شود نقش خیلی مهمی در بهبود سلامت فیزیکی و روانی شهروندان با تشویق آنها به پیاده‌روی، ورزش و بطور ساده استفاده از محیطی سبز و طبیعی دارد. به عبارت دیگر فضاهای عمومی یک سلاح قدرتمند برای مقابله با چاقی و افسردگی است.

• **اهمیت فضای عمومی برای کودکان و نوجوانان (Taylor & Others, 1998)**

طبق آیین‌نامه سازمان ملل در مورد حقوق کودکان، بچه‌ها دارای حق قانونی برای بازی، تفریح و پرورش می‌باشند. بازی دارای نقش تعیین‌کننده برای توسعه جنبه‌های زیادی از شخصیت کودکان، از تحصیل مهارت‌های اجتماعی، تجربه مقابله و قدرت تفکیک بحران‌های احساسی تا درک اخلاقی، مهارت‌های شناختی مانند زبان و فهم و یادگیری مهارت‌های فیزیکی می‌باشد. اما افزایش شهرنشینی و مشکلات ناشی از آن فرصت را از کودکان نسبت به دوران قبلی برای بازی کردن بطور آزادانه در بیرون از خانه و تجربه محیط طبیعی گرفته است. فضاهای عمومی با کیفیت خوب می‌توانند برای پر کردن این شکاف و فراهم آوردن فرصتهایی برای بازی، تمرین و یادگیری بچه‌ها کمک زیادی بکنند.

• **نقش فضاهای عمومی در کاهش جرم و ترس از جرم و جنایت (Mckay, 1998)**

و مدیری، ۱۳۸۵)

ترس از جرم و در مقیاس کوچکتر، خود جرم و جنایت می‌تواند نه فقط مردم را بلکه حتی گروه‌های داوطلب را نیز از استفاده از فضای عمومی با وجود کیفیت خوب مانع شود. برای نمونه کودکان و نوجوانان اغلب از استفاده از پارکها، میدانها و خیابانها به دلیل ترس والدین آنها از جرم منع می‌شوند. این در شرایطی است که زنان نیز اغلب با نگرانیهایی در این زمینه به مراتب بیشتر روبرو هستند. تغییرات فیزیکی و مدیریت خوب فضاهای عمومی می‌تواند از شدت این ترس به میزان زیادی بکاهد. چنین تغییراتی می‌تواند باعث استفاده همه شهروندان به مقدار زیاد از فضاهای عمومی شود.

تحقیقی که در این زمینه توسط خانم مدیری در فضاهای عمومی شهر انجام گرفته نشان می‌دهد، که مکانهایی که مردم در آنها حضور فعال دارند و تنوع فعالیتها و دسترسی‌پذیری

کالبدی بالایی دارد از احساس امنیت مناسبی برخوردار هستند، حتی اگر از بیشترین پراکنش وقوع جرم برخوردار باشند. او نتیجه می‌گیرد که احساس ناامنی از جریان‌ات اصلی عرصه عمومی مرکز شهر تهران نیست، ولی عدم حضور مردم و دسترسی‌پذیری از مسایل عرصه عمومی فوق است (مدیری، ۱۳۸۵: ۲۶).

• نقش فضای عمومی در ایجاد تحرک در درون و بین فضاهای شهری
(Livingstreets, 2001)

یکی از عملکردهای اصلی و اساسی فضاهای عمومی این است که باعث حرکت – از طریق پیاده، دوچرخه، ماشین، موتورسیکلت یا حمل و نقل عمومی – به اطراف می‌شود. بنابراین یکی از موضوعات اساسی طراحی فضای عمومی و مدیریت آن تطبیق نیازهایی از این نوع اغلب در مبارزه با تسلط حمل و نقل شخصی است. خیابانهای با طراحی خوب و فضاهای عمومی باعث تشویق پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری شده و تأثیر زیادی در امن‌تر کردن محیط از طریق کاهش سرعت وسایل نقلیه و استفاده از آن دارد.

• نقش فضای عمومی در ایجاد تنوع در زندگی و اشکال طبیعت

افزایش معنی‌دار در سطوح سخت مانند آسفالت، سیمان، کاشی و غیره در شهرها و کاهش فضای سبز منجر به حرارت بالایی در شهرها و شهرکها نسبت به حومه‌های مجاور می‌شود. این وضعیت را در اصطلاح «تأثیر جزیره گرمایی»^۱ می‌نامند (Lowry, 1967). پوشش گیاهی در شکل فضاهای عمومی یا باغهای خصوصی می‌تواند به کاهش این عدم تعادل در شهرها کمک کند. علاوه بر این پوشش گیاهی و فضاهای عمومی سبز در شهرها مزایای محیطی خیلی مهم دیگری مانند خنکی هوا و جذب آلودگیهای اتمسفری دارند. همچنین مردم در این فضاها با دیدن درختان، پرندگان و آرامش خاصی که در این فضاها وجود دارد، طبیعت را از نزدیک احساس خواهند کرد و می‌توانند از یکنواختی زندگی در شهرها رهایی یابند. وجود فضاهای عمومی مناسب از جمله عوامل مؤثر در ایجاد سرزندگی در شهرها می‌باشد. این فضاها با میزان جذابیت خود و اثرگذاری بر ذهن انسان می‌توانند شادابی و سرزندگی در شهرها و محلات آن را تأمین کنند. برای مثال تخصیص فضای مناسب برای عابرین پیاده، انجام فعالیتهای اقتصادی،

1 - Heat island effect

ترافیک آرام، امکانات و زمینه‌های مناسب برای خرید مردم (نه فقط از جنبه اقتصادی، بلکه از جنبه‌های دیگر مانند تفریح)، فضاهای تفریحی نظیر سینما و تئاتر، مکان ورزشی، موزه‌ها، مراکز فرهنگی، رستوران و کتابخانه‌ها موجبات ارتقاء سرزندگی را در شهرها فراهم می‌آورد. تحقیقی که در این زمینه توسط دکتر عزیزی و همکار در محله نارمک صورت گرفته نشان می‌دهد که حدود ۷۸ درصد از مردم محله عوامل سرزندگی محله خود را به ترتیب میدانهای منحصر به فرد طرح نارمک و فضاهای آن، فرهنگ ساکنین و اهالی محله و مراکز خرید و برگزاری مراسم عمومی در محله اظهار کرده‌اند (عزیزی و همکار، ۱۳۸۵: ۴۲). این نشان دهنده ارتباط مستقیم شادابی و سرزندگی در شهرها و محلات کشور با کیفیت فضاهای عمومی شهر می‌باشد.

• ابعاد اجتماعی فضای عمومی

فضاهای عمومی در دسترس برای همه خارج از نوع نژاد، سن و جنس هستند و بنابراین آنها یک محل اجتماعی دموکراتیک برای شهروندان و جامعه را نمایش می‌دهند. اگر این فضاها بطور شایسته طراحی و مراقبت شوند باعث نزدیکی بیشتر افراد با یکدیگر شده، مکانهایی برای میتینگ بوجود آورده و روابط اجتماعی را که در بسیاری از مناطق شهری از بین رفته تقویت می‌کنند. این مکانها یک هویت فرهنگی را برای منطقه شکل می‌دهند و به عنوان قسمتی از ویژگی بی نظیر آن منطقه، حس مکانی را برای جوامع محلی بوجود می‌آورند. عملکردهای اصلی فضای عمومی در بعد اجتماعی عبارتند از:

✓ ارتقاء مناسبات اجتماعی و همسایگی: فضاهای عمومی نزدیک خانه‌های مسکونی

یک فضای قابل دسترس برای ارتباط با همسایگان نزدیک فراهم می‌آورد، خواه این ارتباط بصورت گپی دوستانه در داخل میله‌های یک باغ یا جلسات عمومی اجتماعی در پارکهای محلی باشد. برای نمونه پارکهای کوچک محلی می‌توانند زمینه گردهمایی خوب و تعاملات شخصی را فراهم بیاورند. به عبارت بهتر این فضاها می‌توانند منجر به ارتباطات درون فرهنگی^۱ و درون اجتماعی^۲ بشوند (Baulwill, 2002: 697). در یک مقیاس بزرگتر پارکهای عمومی اجتماعی و زمینهای بزرگ شهری مردم را از گروههای سنی و فرهنگی مختلف دور هم گردآورده

1 - Cross-cultural

2- Cross-community

و بنابراین باعث شکل‌گیری یک حس واقعی از بودن در باهمستان می‌شوند (Massey, 2002: 40). با این وجود برای شکل‌گیری یک تجربه اجتماعی باکیفیت در چنین فضاهایی نیاز به فضاهای عمومی با کیفیت و با طراحی خوب داریم. چرا که تجربه نشان داده زمینهای بزرگ و سبز در اطراف ملکهای مسکونی، برای ایجاد فرصت برابر برای همبستگی اجتماعی، بیشتر از فضاهای شخصی با شکست مواجه شده است (Quayle & Lieck, 1997: 102).

✓ **فضاهای عمومی به عنوان مکانی برای رخدادهای مهم اجتماعی:** یکی از مزیت‌های فضاهای عمومی با کیفیت بالا، ایجاد فضایی برای حوادث مهم اجتماعی است. فستیوالها، سمینارها، جشنهای ملی و دیگر وقایع مهم اجتماعی اگر به خوبی مدیریت شوند تأثیر خیلی مثبتی بر روی محیط شهری گذاشته و باعث پیوستگی بیشتر اجتماعی خواهند شد. علاوه بر این، این وقایع دارای مزیت‌های مالی، اجتماعی و محیطی نیز می‌باشند، بویژه اینکه آنها می‌توانند جامعه مدنی را که در بسیاری از مناطق شهری ما از بین رفته یا اصلاً وجود نداشته، تولید و بازتولید کنند. با تشویق این وقایع و فستیوالها علاوه بر مزایای ذکر شده، شهرها در واقع صاحب فضاهای عمومی خواهند شد که در ذهن همه ماندگار خواهد شد و به عبارت دیگر شهر از طریق آن صاحب هویتی یگانه و ماندگار می‌شود.

یک نمونه از شهرهایی که استفاده خوب و خلاقانه از فضاهای عمومی‌اش می‌شود «آشن»^۱ در آلمان است. زندگی خیابانی این شهر تاریخی با استراتژیهای بلند مدت برای حیات بخشیدن به فضای مدنی با استفاده از آرایش خارق‌العاده فواره‌ها و مجسمه‌هایی که بطور دقیق موقعیت‌یابی شده‌اند، ارتقاء چشم‌گیری یافته است. هنر عمومی بطور روزانه در این شهر نمایش داده می‌شود و تفسیرهای تاریخی را ایجاد می‌کند. در کنار آن و بطور هم‌زمان شهر مکانی برای جستجوی سرگرمی و تفریح و تعامل با دیگران، سالمندان و کودکان هم سن و سال می‌باشد. نتیجه، شهری است با هویت بی‌نظیر که ساکنان در آن بصورت کاملاً مثبت عمل می‌کنند (Hagelskamp, 2003). این در حالی است که ما در کشور خود شهرهای زیادی با

1 - Aachen

قدمت چندین هزار ساله داریم. ولی به دلیل نبود تاریخی یک عرصه عمومی قوی خارج از استیلای عرصه دولتی در شهرهای ما، این شهرها در واقع ابنیه‌های منفرد و مستقل از همی هستند که هیچ ارتباطی با همدیگر ندارند.

فضای عمومی و جامعه مدنی

امروزه توسعه و تجهیز فضای باز شهری (فضاهای سبز، خیابانها؛ میدانها، محوطه‌ها، استخرها، گردشگاهها، سواحل و غیره) به یکی از محورهای مهم توسعه پایدار تبدیل شده است که نقش اساسی در اعتلای کیفیت محیط و حفاظت ارزشهای طبیعی و تاریخی شهر ایفا می‌کند (مهدیزاده، ۱۳۸۵: ۴۷۹). از این نظر بازیابی فضاهای شهری کهن و احیای کیفیات انسانی و اجتماعی آنها و نیز ابداع انواع فضاهای عمومی و جمعی جدید (نمایشگاهها، بازارهای مکاره‌ای، پارکهای تفریحی، پارکهای علمی، کتابخانه‌های عمومی و ...) موضوعی است که ضرورتاً به همکاری دانش‌های برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری بطور همزمان نیاز دارد.

حیات مدنی بر مبنای عرصه عمومی قرار دارد و بنیادی‌ترین مفهوم جامعه مدنی وجود عرصه‌های عمومی حائل میان فرد و حکومت است. و در این عرصه‌هاست که امکان اجتماع، برخورد‌های رودرو، کنش متقابل، برخورد آراء و اندیشه‌ها و اجماع، در اختیار انسانها قرار می‌گیرد. تبلور کالبدی، این عرصه‌های عمومی به فضاهای عمومی شهر شکل خواهد بخشید. در نبود این فضا و عرصه عمومی در کشور است که خانه ما همان «چهار دیواری اختیاری» ماست و بیرون از خانه مملو از افرادی است که یا دشمن ما هستند و یا مزاحم جامعه مستقل‌مان. شاید همین خصلت است که در معماری مدرن شهرهای بزرگ و کوچک ما رخنه کرده: هر ساختمان ما بالاستقلال ساختمان قابل تحملی است ولی هر ساختمان در کنار ساختمانهای دیگر وصله‌ای ناهماهنگ و ناموزون است. به عبارت دیگر ساختمانهایی که می‌سازیم هم جامعه‌پذیر نیستند لذا مجموعه آنها نه تنها یک شهر را - که محل پرورش جامعه مدنی است- بوجود نمی‌آورد، بلکه تصویری دل‌آزار در پیش چشمانمان می‌گسترند و اگر سبزی درختان نبود، چه فضای وحشتناکی برایمان می‌ساختند. بی‌خود نیست که خیابانهای شهرهای ما فقط در شبها و در دل تیرگی و ظلمت زیباست (عظیمی، ۱۳۷۸: پیشگفتار، صفحه ۹). آزادی اکنون مفهومی نیست که تنها در زندگی خصوصی قابل دستیابی باشد، بلکه

فضاهایی در شهر وجود دارند که می‌توانند همان احساس رهاشدگی را به فرد بدهند (رضوانی و کاظمیان، ۱۳۸۰: ۴۲). در حوزه خصوصی، آزادی در برابر وفاداری به نزدیکان و خویشاوندان و مسئولیت در قبال آنها معنی می‌یابد. اما در حوزه عمومی، آزادی با تعهد اجتماعی، تحت نظارت دیگران قرار داشتن، اعمال نظارت بر آنها و احساس مسئولیت معنی پیدامی‌کند. اگر تاریخ را بستر مکانی مناسب برای سعی و خطا و رسیدن به روشهایی با حداقل مشکلات و رنجها بدانیم، جامعه مدنی به عنوان روش، حاصل همین مسیر است. شهر اکنون به بستر مکانی مناسب برای هویت‌یابی و رشد تشکلهای و نهادهای جامعه تبدیل شده است. ایده جامعه مدنی بدون هر یک از این ابعاد زمانی و مکانی ناقص می‌ماند (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

شهروندان ما عادت کرده‌اند که آزادی را فقط در چارچوب منازل خودشان و به اصطلاح همان «چهار دیواری اختیاری» خود ببینند، چرا که ما در روند زندگی تاریخی خود با یک فضای دولتی قوی و خشک و یک فضای خصوصی به دور از چشم دولت روبرو بوده‌ایم. این در شرایطی است که آنچه جامعه مدنی را می‌سازد نه فضای دولتی و خصوصی بلکه فضای عمومی است. پس نباید تعجب کنیم که چرا با شهروندانی خنثی و بی‌تفاوت نسبت به سرنوشت شهر و جامعه روبرو هستیم. وقتی شهروندی وجود ندارد، در واقع شهری وجود نخواهد داشت و به جای مقیاس شهری^۱ با مقیاس ابنیه‌های منفرد^۲ با آدمکهایی در درون آن مواجه خواهیم بود که هیچ ارتباطی با محیط اطراف خود ندارند. در چنین شهری است که افراد به جای «شهروند»، بیشتر «محل‌وند» هستند و هیچگونه تعلق خاطری به شهر و جامعه خود ندارند. بنابراین در شهرهای ما شهروندان باید و ضرورتاً فضای کافی برای ابراز عقیده، گفتگو و مشارکت را داشته باشند. برای این منظور ایجاد فضاهای عمومی، تقویت جنبه‌های عملکردی، زیباشناختی فضاهای شهری، اولویت دادن به انسان در برابر خودرو و امکان اختلاط کاربریها با توجه به معیارهای زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی شهری می‌تواند دارای اهمیت باشد. اگر در دوران باستان، میدان شهر یا ده تنها فضای عمومی به شمار می‌رفت، امروزه پدیده «عمومی»^۳ از حیث کمیت و کیفیت رشد بیشتری یافته است و مرتباً بر ژرفا و پهنای آن افزوده می‌شود.

1 - Urban Scale
2 - Building Scale
3 - Public

این مسأله زمینه‌ساز شکل‌گیری شهر به عنوان یک پدیده مدنی شده است. شهر در عملکرد فضاهای آن محدود نمی‌شود بلکه به جهانی از روابط پیچیده و حیات مدنی تحول یافته است. پس شهرهای امروزی باید بر اساس بسط و غنا بخشیدن به حیات مدنی طراحی شوند و فضاهای شهری در جهت تقویت حوزه عمومی در مقابل حوزه خصوصی طراحی گردند تا مسئولیت اجتماعی در آنها جاری باشد.

جامعه مدنی پدید نمی‌آید مگر آنکه یک نوع خودآگاهی جمعی بین اقشار مختلف، بین افراد یک طبقه یا افراد متعلق به یک صنف پیدا شود. این خودآگاهی نیز تنها در فضاهای عمومی است که می‌تواند شکل بگیرد. برای اینکه تنها در فضاهای عمومی است که همه افراد از قشرها و صنفهای مختلف بدون هیچ محدودیتی می‌توانند باهم برخورد و تعامل داشته باشند. جامعه مدنی بطور سلسله‌مراتبی از کوچه، پیاده‌رو، خیابان، پارک، و غیره و از دیدگاه کنشهای انسانی، با سلام کردن در خیابان به همسایه، جمع‌آوری زباله، رفتن به سینما، خریدن مجله، ایستادن در صف تاکسی، بحث در پارک و غیره شروع می‌شود. در واقع در ابعاد مختلف چه در بعد کنش و مناسبات اجتماعی و چه به لحاظ زمان و مکان می‌توان کل مسأله را در این عبارت خلاصه کرد که جامعه مدنی، یعنی دیگران و زندگی با دیگران و برخورد با دیگران همراه با قواعد و روابطی که حاکم بر این زندگی است. بنابراین زمانی که از خانه بیرون می‌آییم، هر کار ما به نحوی با جامعه مدنی مرتبط است. پس می‌توان گفت که ریشه جامعه مدنی در همین «فضاهای عمومی» یعنی در میدان، خیابان، بازار، پارک، پیاده‌رو و غیره نهفته است، مکانهایی که عرصه ملاقات با دیگری و دیگران است. ما از نظر سنتی هرگز به این بعد از زندگی، یعنی رابطه با دیگری و دیگران، توجه نداشتیم. در فرهنگ ما تقابل درون و بیرون، اندرونی و بیرونی، خودی و بیگانه همواره حضوری سنگین داشته است. جهان بیرون عرصه عملکرد قدرت و خشونت تلقی می‌شود، عرصه ناامنی و ترس از دیگری و دیگران. بدین ترتیب اگر فراغتی و لذتی است، در خانه است، اگر انسانیت، گفت و گو و اعتمادی هست، در خانه است و بس. در نتیجه فضای بیرون، یعنی همان فضای ملاقات با دیگران، همواره با ترس و تشویش همراه بوده، در عوض تمام ترسها و ناراحتیهای سرکوب شده، برای تخلیه شدن به فضای خانه انتقال می‌یابد (نگاه کنید به فرهاد پور، ۱۳۷۷).

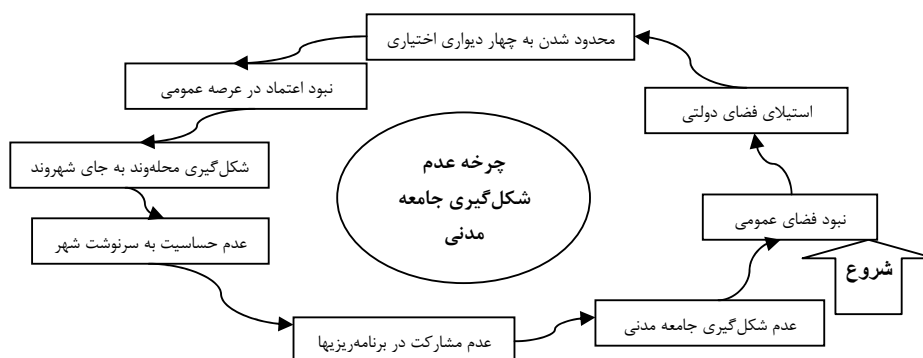
نکته بسیار مهم دیگری در سیمای شهرهای معاصر کشورمان و فضاهای شهری، خصوصی‌سازی فضاهای عمومی شهری است. این عمل با ایجاد حفاظ اطراف ساختمانها و مؤسسات مالی خصوصی و دولتی و عمارات و بخشهای طراحی شده این ساختمانها صورت گرفته است. در نتیجه آن، فضاهای شهری خرد و متلاشی شده و تبدیل به نهادهای مستقل و پیچده‌ای می‌شود که هیچ ارتباطی با فضاهای اطراف ندارد. این عملکرد باعث تولید فضاهای معین و بزرگ، همراه با مکانهای تفریحی خصوصی، توسعه‌های مسکونی، پارکهای اداری و ... توسط مؤسساتی می‌شود که جز از طریق دعوت‌نامه نمی‌توان وارد آنها شده و مورد استفاده قرار داد. نتیجه چنین امری بطور آشکاری بر روی فضاهای باز تأثیر گذارده و برای مثال پارکها یا خیابانها به مغازه‌ها و شرکتهای خصوصی پیوسته و ممکن است تبدیل به فضاهای کنترلی شوند (فضاهایی که از آنها برای ورود عموم مراقبت می‌شود). این امر دارای اثرات و نتایج منفی بسیاری می‌باشد: یکی از اثرات منفی آن که قویاً قابل اثبات است، از دست رفتن فضاهای عمومی نامتمایز است که منجر به کاهش توانایی افراد برای برخورد و تعامل با دیگران بطور آزادانه می‌شود. بدین ترتیب دسترسی شهروندان به خیابانها، پیاده‌روها، پارکها و دیگر فضاها عمومی بطور وسیعی کاهش یافته و مرتباً حق خود برای تجمع و اجتماع، بازی، تفریح و غیره را از دست می‌دهند. «کیربی» از این وضعیت با عنوان «حق شهروندان برای محصور بودن در شهر یاد می‌کند» (Kirby, 2008: 76). افزایش غلظت محرومیت و خوشه‌بندی شهر باعث تقسیم‌بندی در بسیاری از شهرها می‌شود که این وضعیت از همدلی سیاسی و اجتماعی در بین شهروندان جلوگیری می‌کند. شهروند در تعامل اجتماعی و چانه‌زنی در کوچه و بازار است که می‌تواند قدرت تفکر و مذاکره را برای حفظ حقوق خود و دیگران بیاموزد. روی همین اصل ما نیاز شدیدی به مکانهای ارتباط و تعامل اجتماعی و همسایگی داریم، تا بتوانیم از به انزوا کشیده شدن شهروندان جلوگیری کنیم. نبود چنین فضاهایی مساوی است با، جلوگیری از حق حرکت آزادانه افراد و انتخاب مکان دلخواه، که «میتشل» از آن بطور خلاصه با عنوان «حقوق یک فرد از شهر»^۱ نام می‌برد (Mitchell, 2003).

جامعه‌ای که برای کودکان خود فضاهای باز کافی، برای نوجوانان خود پاتوقها، فضاهای تعاملات اجتماعی، فضاهای ورزشی و ... در محله ایجاد نکند، نباید توقع داشته باشد که در آینده از شهروندانی متعهد و دلسوز و فعال در سرنوشت شهر و جامعه برخوردار گردد. بنابراین

1 - One's rights to the city

جامعه شکوفا، توانمند و سالم نیاز به فضاهایی دارد که نه فقط در جهت آسایش و رفاه افراد و گروهها عمل نموده، بلکه رفتارهای مطلوب را تشویق و رفتارهای ناشایست را از خود دور کند. برای درک بهتر مطلب، ارتباط بین فضای عمومی شهری و جامعه مدنی را در دو حالت مختلف، یعنی در صورت وجود فضای عمومی و یا نبود فضای عمومی در شهر بر روی نمودارهای جداگانه‌ای به عنوان خروجی این مقاله نشان داده‌ایم (نمودار شماره ۱ و ۲).

نمودار شماره ۱: چرخه عدم شکل‌گیری جامعه مدنی در صورت نبود فضای عمومی

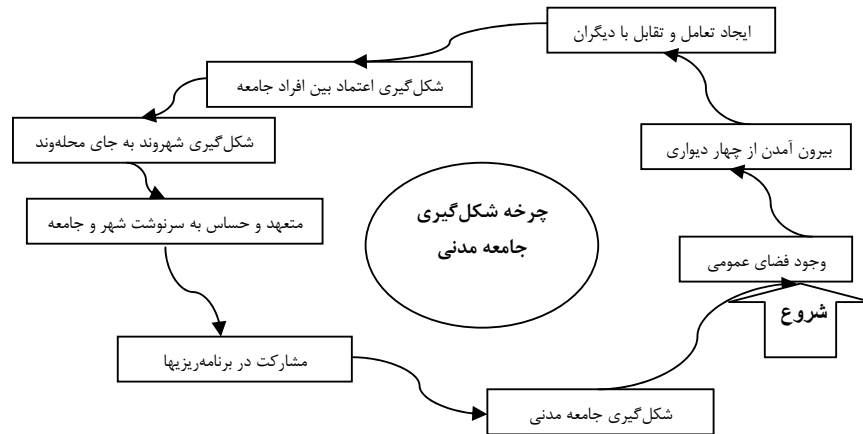


نمودار شماره ۱ جامعه‌ای را نشان می‌دهد که فضای عمومی در آن شکل نگرفته است. بنابراین در نبود فضای عمومی، فضای دولتی است که بر جامعه مستولی می‌شود. استیلاي دولت بر فضای شهری یعنی محدود شدن ساکنین شهر به «خانه» و در اصطلاح جامعه خودمان «چهار دیواری اختیاری». هنگامیکه ساکنین تنها پناهگاه و مأمن خود را، خانه خود ببابند، یک حس بی‌اعتمادی در بین ساکنین، به دولت و در نتیجه به عرصه عمومی شکل می‌گیرد. نتیجه این بی‌اعتمادی شکل‌گیری مفهوم «محله‌وندی» به جای «شهروندی» در شهر است. وقتی احساس شهروندی در ساکنین شهر ایجاد نشود، نباید انتظار حساسیت و واکنش آنها نسبت به مسائل شهری را داشته باشیم. به دیگر سخن در چنین جامعه‌ای با ساکنینی خنثی و بی‌مسئولیت روبرو هستیم که هیچ علاقه‌ای به مشارکت در برنامه‌ریزیها و مسائل شهری ندارند. و این یعنی نبود و عدم شکل‌گیری جامعه مدنی در شهر.

اما در مقابل جامعه بدون فضای عمومی، جامعه‌ای قرار دارد که دارای فضاهای عمومی با کیفیت می‌باشد. وجود چنین فضایی یعنی بیرون آمدن از «چهار دیواری» و ایجاد تعامل با دیگران. در نتیجه برقراری تعامل و ارتباط بین گروههای مختلف است که اعتماد بین افراد جامعه که امروزه بزرگترین سرمایه اجتماعی در شهرهاست، بوجود می‌آید. ایجاد اعتماد بین

افراد جامعه باعث ظهور شهروندانی می‌شود که نسبت به مسائل شهری احساس مسؤولیت کرده و مشارکت داوطلبانه‌ای در برنامه‌ریزیها دارند. در چنین فضایی است که جامعه‌ای مدنی شکل می‌گیرد که خود در تقویت فضا و عرصه عمومی در شهر تأثیر بسیاری خواهد داشت.

نمودار شماره ۲: چرخه شکل‌گیری جامعه مدنی در صورت وجود فضای عمومی



نتیجه‌گیری

در این تحقیق به نقش فضاهای عمومی شهر در شکل‌گیری جامعه مدنی از نگاه برنامه‌ریزی شهری پرداختیم. گفتیم که فضای عمومی شهر، فضایی است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی میان افراد از قشرها و سنین و نژادهای مختلف صورت می‌گیرد. فضایی که همه می‌توانند بدون هیچ‌گونه محدودیتی در آن حضور داشته باشند. به عبارت دیگر فضای عمومی، فضایی است که ما با دیگری و دیگران شریک می‌شویم، فضایی است برای فعالیتهای سیاسی، مذهبی، تجاری، تفریحی، بازی، میتینگ و غیره. جامعه شکوفا و سالم نیاز به چنین فضاهایی دارد که در جهت آسایش و رفاه گروههای مختلف عمل نموده و رفتارهای مطلوب را تشویق و رفتارهای ناشایست را از خود دور کند.

از دیدگاه برنامه‌ریزان شهری، فضاهای عمومی، نقش‌های زیادی در جامعه شهری دارند از آن جمله است: ارزش اقتصادی فضاهای عمومی، نقش آنها در شکل‌دهی به شخصیت کودکان و جوانان، سلامت فیزیکی و روانی، کاهش جرم و جنایت، ایجاد تنوع و سرزندگی در جامعه شهری، ایجاد تحرک در درون فضاهای شهری و غیره. اما مهمترین نقشی که فضاهای عمومی

در جامعه شهری دارند و مقاله حاضر نیز بر آن تأکید داشته، ابعاد اجتماعی فضاهای عمومی است. به سخن دیگر، نقش اصلی و حیاتی فضاهای عمومی شهر، فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسانها با یکدیگر است. در نبود چنین فضایی در شهرهای ماست که مفهوم شهروندی هنوز برای جامعه شهری یک مفهوم مبهم و نامأنوس است. چرا که مردم ما عادت کرده‌اند که در نبود فضاهای عمومی، آزادی را فقط در چارچوب خانه‌های خود و به قولی همان «چهار دیواری اختیاری» ببینند. نتیجه آن شهروندانی خنثی و بی‌تفاوت است که هیچ عکس‌العملی نسبت به سرنوشت شهر و جامعه خود ندارند.

اصولاً جامعه شهری ما به دلیل سابقه تاریخی همین «چهار دیواری اختیاری»، فضاهای عمومی را نه فضایی برای تعامل و تقابل اجتماعی، که فضایی برای دشمنی و خصم‌نگاه می‌کنند و این به دلیل استیلای تاریخی فضای دولتی بر فضای عمومی بوده است. روی همین اصل است که ما نه با مفهوم «شهروند»، که به قول دکتر پیران بیشتر با مفهوم «محل‌وند»، و نه با آزادی در جامعه مدنی که با آزادی در چهار دیواری اختیاری‌مان آشنا هستیم. نتیجه چنین امری، جامعه‌ای منزوی با ساکنینی خنثی است که هیچگونه مشارکتی در برنامه‌ریزیها نداشته و اگر هم دعوت به مشارکت بشوند، به دلیل بی‌اعتمادی که در آنها نسبت به فضای عمومی شکل گرفته، از مشارکت سر باز خواهند زد. چرا که اصولاً این فضاهای عمومی در شهر هستند که زمینه مشارکت مردم را فراهم آورده و آنها را باهم مرتبط می‌سازند.

بنابراین اگر می‌خواهیم، شهرهایی سالم و بانشاط، شهروندانی آگاه و حساس به سرنوشت خود و جامعه، برنامه‌ریزی‌هایی همراه با مشارکت داوطلبانه مردم و در نهایت جامعه مدنی قوی داشته باشیم، ناگزیر باید فضاهای عمومی در شهرهای خود را تقویت کرده و شهروندان را از آن «چهار دیواری اختیاری» معروف خود به این فضاهای عمومی بکشانیم.

منابع و مأخذ

- ۱- افروغ ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی :ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن ، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول
- ۲- افضل‌ی، رسول(۱۳۷۹) ، چشم‌انداز جامعه مدنی در خاورمیانه : چند گفتار در جامعه‌شناسی سیاسی، مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب، تهران، چاپ اول
- ۳- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۵)، درآمدی بر جامعه مدنی در ایران امروز، ایران فردا، شماره ۲۷، صص ۱۰-۱۷
- ۴- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول
- ۵- پیران، پرویز(۱۳۸۲)، شهرشناسی در ایران: پایان تاریخت و شروع فصلی جدید
- ۶- حبیبی، سید محسن(۱۳۷۸)، جامعه مدنی و حیات شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، صص ۲۱-۳۱
- ۷- رفیعیان، مجتبی و سیفایی مهسا (۱۳۸۴)، فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صص ۳۵-۴۲
- ۸- رهنمایی، محمد تقی(۱۳۷۳)، دولت و شهرنشینی: نقدی بر نظریه عناصر شهری قدیم و سرمایه‌داری بهره‌بری هانس بوبک، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲، صص ۱۷-۲۶
- ۹- رهنمایی، محمد تقی و امیریان، سهراب(۱۳۸۲)، مروری بر نقش دولت در گسترش و تمرکز شهرنشینی در ایران، جغرافیا: نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، دوره جدید، شماره ۱، صص ۱۹-۴۰
- ۱۰- سعیدی رضوانی، نوید و کاظمیان، غلامرضا(۱۳۸۲)، امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداریها، جلد اول: بررسی تحولات نظری و تجارب جهانی، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، چاپ دوم
- ۱۱- عزیزی، محمد مهدی (۱۳۸۵)، محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، صص ۳۵-۴۶
- ۱۲- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۰)، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، جلد ۲ : یافته‌های تجربی و راهبردها، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، چاپ اول
- ۱۳- عظیمی آرانی، حسین (۱۳۸۴)، کارکردهای نظام سیاسی در فرآیند توسعه، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، چاپ اول

- ۱۴- عظیمی آرانی، حسین (۱۳۷۸)، ایران امروز در آئینه مباحث توسعه (برای حل بحرانهای کوتاه و بلندمدت اقتصادی چه باید کرد؟)، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۸۳
- ۱۵- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و نسبت آن با دین، مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز، تهران، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول
- ۱۶- محمدی، مجید (۱۳۷۶)، جامعه مدنی به منزله یک روش، تهران، انتشارات نشر قطره، چاپ اول
- ۱۷- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ دوم، سال ۱۳۸۴
- ۱۸- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵)، جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر، فصلنامه پژوهش رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۱-۲۸
- ۱۹- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات جهانی و جایگاه آن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، چاپ دوم
- ۲۰- فرهادپور، مراد (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و نسبت آن با دین، مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز، تهران، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول

- 21- Alizadeh, Hooshmand (2007). Changes conceptions of women's public space in the Kurdish city. *Cities*, Vol. 24, No. 6, p. 410-421
- 22- Ardalan, N (1980) Places of public gathering. In *Places of Public Gathering in Islam*, L Safran (ed.), pp. 5-16. Aga Khan Award for Architecture, Philadelphia.
- 23- Atkinson, R., & Blandy, S. (2005). Introduction: international perspectives on the new enclavism and the rise of gated communities. *Housing Studies*, 20(2), 177e186.
- 24- Baulkwill, A. (2002) 'Lots of conviviality'. *The Garden*, September 2002, pp693-697.
- 25- Cohen, J., & Arato, A. (1992). *Political theory and civil society*. Cambridge: MIT Press.
- 26- Hagelskamp, C. (2003) 'Please touch: How Aachen's public art adds to its public life'. Project for Public Space Newsletter, September 2003. Available from: http://pps.org/info/newsletter/Sep_2003/Sep2003_Aachen
- 27- Kirby, Andrew (2008). The production of private space and its implications for urban social relations. *Political Geography* 27. 74-95
- 28- Kostof, S (1992) *The City Assembled: The Elements of Urban Form through History*. Thames and Hudson, London.
- 29- Lipton, Stuart (2003). The value of public space :How high quality parks and public spaces create economic, social and environmental value. Available from www.cabespace.org.uk

- 30- Living Streets (2001) *Streets are for Living: The Importance of Streets and Public Spaces for Community Life*. London, Living Streets.
- 31- Lowry, W. P. (1967) 'The climate of cities: their origin, growth and human impact'. *Readings from Scientific American*, San Francisco, W. H. Freeman and Company.
- 32- Luttik, J. (2000) 'The value of trees, water and open spaces as reflected by house prices in the Netherlands'. *Landscape and Urban Planning*, Vol. 48, pp161-167.
- 33- Lynch, Kevin(1972). *The openness of open space* .Arts of environment. Aidan Ellis
- 34- Madanipour, A (2003) *Public and Private Spaces of the City*. Routledge, London, New York.
- 35- Massey, H. (2002) 'Urban farm'. *Landscape Design*. 313, pp40-41.
- 36- McKay, T. (1998) 'Empty spaces, dangerous places'. *ICA Newsletter*, Vol. 1(3), pp2-3.
- 37- Mitchell, D. (2003). *The right to the city: Social justice and the fight for public space*. New York: Guildford.
- 38- Osborne, D., & Gaebler, T. (1992). *Reinventing government*. Massachusetts: Addison-Wesley Publishing Co.
- 39- Quayle, M. and Dreissen van der Lieck, T. C. (1997) 'Growing community: a case for hybrid landscapes'. *Landscape and Urban Planning*, 39, pp99-107.
- 40- Ray E. Hiebert(2005). *Commentary: new technologies, public relations, and democracy*. *Public Relations Review* 31 (2005) 1–9
- 41- Roy, Indrajit (2008). *Civil Society and Good Governance : (Re-) Conceptualizing the Interface*. *World Development* Vol. 36, No. 4, pp. 677–705
- 42- Smith, N., & Low, S. (2006). *Introduction: The imperative of public space*. In S. M. Low, & N. Smith (Eds.), *The politics of public space* (1–16). New York: Routledge.
- 43- Takano, T., Nakamura, K. & Watanabe, M. (2002) 'Urban residential environments and senior citizens' longevity in megacity areas: the importance of walkable green spaces'. *Journal of Epidemiology and Community Health*, Vol. 12.
- 44- Taylor, A. F., Wiley, A., Kuo, F. E. and Sullivan, W. C. (1998) 'Growing up in the inner city – green spaces as places to grow'. *Environment and Behaviour*, Vol. 30(1), pp2-27.
- 45- Walzer, M(1986). *Pleasures and costs of urbanity*. *Dissent* 33(4).pp470-475
- Woolley, H. (2003) *Urban Open Spaces*. London, Spon Press.